

## بیانیه هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران

جنگ افزارهای مرکب از زرادخانه دو نیروی عده نظامی جهان زدوده می شود.  
”دیدار مسکو“ نمره نگرش مسئله واقع گرایانه به مسائل حیاتی بشریت و کوشش‌های پیکر اتحاد شوروی، دیگر کشورهای سوسیالیستی و همه نیروهای صلح دوست جهان در راه تنش زدائی و صلح پایدار است.

در مسکو همچنین قراردادهای دیگری نیز، از جمله در زمینه نظارت مشترک بر آزمایش‌های هسته‌ای، زیرزمینی، کشتیرش سیستم اطلاع‌یابی در باره آزمایش‌های موشکی و بر پایه همکاری علمی‌فنی، تنگاتنگ‌تر میان اتحاد شوروی و ایالات متحده امریکا به راستین، چه با این قرارداد برای نخستین بار بخشی از

پیغام در ص ۸

هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران خرسنده خود را از نتایج چهارمین دیدار میخانه‌یل کارباچف، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، و رونالد ریگان، رئیس جمهور ایالات متحده امریکا، در مسکو ابراز میدارد.

این دیدار کام دیگری بود در راه دشوار و طولانی ای که در ژنو آغاز شد و با توجه به ضرورت‌های حیاتی دوران ماه باید به جهانی بری از جنگ افزارهای هسته‌ای بیانجامد.

میادله تصویب‌نامه قرارداد نابودی موشک‌های میانبرد و کوتاه برد لحظه ایست تاریخی در روند خلخله سلاح هسته‌ای راستین، چه با این قرارداد برای نخستین بار بخشی از

شماره ۲۱۳ دوره هشتم  
سال پنجم سه شنبه ۱۲۶۷/۴/۷  
بهار ۲۰ رسال



از کان مرکزی حزب توده ایران

## رژیم مدافعان سرمایه‌داران

در شرایط اکنونی کشورها، کسبه و اصناف و بطور به چیاول و غارت مردم مشغولند" (اطلاعات کلی دارندگان سرمایه‌های کوچک و متوجه‌زیر فشار ۶۴/۸/۲۷) و اخیرا در گوشاهی از کلکنکی روزنامه "کیهان" با اعضا اتحادیه‌های صنعتی، پکونه‌ای فزاینده بسوی ورشکستگی می‌روند. روند ورشکستگی دارندگان سرمایه‌های کوچک و متوجه که پویزه در سالهای اخیر بخاطر ژرفش بحران اقتصادی - اجتماعی و افلام مالی و ارزی رژیم شتاب پیشتری بخود گرفته است، به اشکال گوناگون چهره‌نمایی می‌کند. جبرهای کوچک با قفسه‌های خالی از کالا و دکانها و کارگاه‌هایی که هر روز کارشان به در تخته کردن و تعطیل می‌نجامد، چلوه‌ای و افزایش نجومی تقاضنگی کلان سرمایه‌داران جلوه‌ای دیگر از آنست.

در این زمانه، برای نموده سال پیش، حائزی زاده، شاید "مجلس، گفت که "سیاری از کسبه" جزء و اصناف می‌سوزند و قلیر گشته‌اند. از آن سو، بعضی در حجره‌ها و شرکت و دکان و... خود

پیغام در ص ۲

## زنگنه پروس و نماینده ویژه منتظری

مبارزه بر سر قدرت میان جناحهای عده در هرم حاکمیت با نزدیک شدن پایان حیات خمینی تشید می‌شود. هر خبری که رسانه‌های گروهی غرب درباره "مرگ خمینی منتشر می‌کنند، سران رژیم را سخت بودشت می‌اندازد. ترس و هراس گردانندگان رژیم به درجه‌ای است که بلضافله خمینی را از پست به بالکن محل اقامتش منتقل می‌کنند و با شتاب از حضور چند ثانیه‌ای وی در "میان مردم" فیلم پرداری می‌کنند. هر اس اعکن العمل مردم پس از مرگ خمینی از سوی دیگر، علل اصلی کشاندن خمینی به صفحه "تلوزیون" است.

تا به امروز، اطرافیان خمینی توانسته اند با استفاده از نام او، از بزرخورد خونین میان جناحها جلوگیری کنند. اما، وضع پس از مرگ وی، که قاعده‌تاً چندان هم دور نباشد، چکونه خواهد بود؟

برخی از افراد وابسته به جناح "میانه رو" می‌کوشند ترا روابط با کشورهای امیریالیستی و در راس آنها ایالات متحده، آمریکا را بهبود بخشدند. در این زمینه ما شاهد انواع فعل و انفعالات دیپلماتیک آشکار و نهان بوده‌ایم و هستیم. سران رژیم در مقابل دولتها فرانسه و انگلیس و احیا روابط دیپلماتیک با فرانسه نشانه دیگری از "استراتیجی" نزدیکی به غرب" رژیم است.

همه می‌دانند که در ماههای اخیر ایالات متحده ضربات سختی بر ج. ا. وارد ساخته است.

ناوگان و چنگنده‌های آمریکا، ناوگان نظامی، سکوهای نلتی و غیره" ایران را نابود کرده و دهها نفر از کارگران آنها را بقتل رسانده‌اند. طبق اعتراف سران ج. ا.، ایالات متحده، آمریکا کار کردن را داده اند. ایالات متحده، آمریکا اکثر از این اتفاقات ایجاد کرده است. از این میان ایالات متحده، آمریکا ناشی از این عملیات خبری نیست، اما، طبق محاسبه پیغام در ص ۲

### ذریخت

برای نجات زندانیان سیاسی متحدد شویم

در ص ۷

گزارش‌هایی از سیاه‌جاله

در ص ۶

# پیروزیاد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

## درباره کنفرانس نوبتی "اوپک"

بهای هر بشکه نفت در بازار جهانی ۲ دلار کاهش یافت.

باید خاطر نشان ساخت که کشورهای عربستان سعودی، کویت، قطر و امارات متحدهٔ عربی مخالف ساخت کاهش سهمیهٔ "اوپک" بودند. این کشورها که نصف ذخایر کشف شدهٔ نفت جهان (به استثنای کشورهای سوسیالیستی) را در اختیار دارند، خواهان تثبیت سهمیهٔ "تلیبد اوپک" در سطح ۱۵ میلیون بشکه در روز و بهای ۱۸ دلار برای هر بشکه نفت بودند.

موضوع عراق روشن بود. این کشور خواهان سهمیه‌ای برای سهمیهٔ ایران بوده و هست. در حال حاضر عراق حدود ۲/۵ میلیون بشکه نفت در روز تولید می‌کند و تابع تصمیم‌های "اوپک" نیز نیست. جمهوری اسلامی نیز در آغاز بر افزایش سهمیهٔ خود اصرار می‌ورزید، ولی در روزهای آخر از اصرار خود دست برداشت.

شکست کنفرانس اوپک می‌تواند پی‌آمد های منحری در زمینهٔ قیمت نفت خام داشته باشد. برخی از ناظران بر آن هستند که بدون کاهش صدور نفت به میزان ۵۰۰ تا ۴۰۰ هزار بشکه در روز نمی‌توان از کاهش بهای نفت جلوگیری کرد. نباید فراموش کرد که با وجود تصمیم "اوپک" کشورهای عضو عملابیش از سهمیهٔ تعیین شده تولید می‌کنند. افزون بر این، دولتهای معتبر معتقدند دولت ج. ا. برای فروش هر چه بیشتر نفت خام مبالغ قابل توجهی (در مواردی حتی ۲ تا ۲۵ دلار) در قیمت هر بشکهٔ نفت به خبردار تخفیف می‌دهند. این نیز بر اقتصاد کشور که عقباً وابسته به نفت است تاثیر منفی و مخرب بر جای می‌گذارد.

انقلاب افغانی گذارد. اندکی بعد هواپیماهای باری نظامی تجهیزات جدیدی به ارزش ۲۵۰ میلیون دلار دیگر به پاکستان حمل کردند. علاوه بر این دولت وابستهٔ عربستان سعودی نیز مقادیر زیادی اسلحه و مهمات که از آمریکا دریافت داشته به ض انقلاب افغانی تحویل داده است.

بس از قرارداد آنکارا منعقده میان سر جاسوس آمریکایی و نایاندۂ منتظر اینک کشور ما به مرکز توطئه علیه کشور همسایه و برادر افغانستان و هر چه بیشتر به پایگاه باندهای آدمکش افغانی و حامیان آمریکایی آنها- جاسوسان سیا- تبديل خواهد شد. علیه این توطئه که استقلال میهن ما را پایامیال می‌کند و می‌رود تا کشور ما را بار دیگر به پایگاه جاسوسی- نظامی آمریکا علیه کشورهای همسایه مبدل سازد، باید مبارزه کرد.

در نیمهٔ اول ماه زوئیهٔ سال جاری میلادی کنفرانس نوبتی "اوپک" با شرکت وزرای نفت کشورهای عضو برای بررسی قیمت و سهمیهٔ نفت تشکیل گردید. این بار نیز "اعضا" اوپک نتوانستند به نظر واحدی برستند و سیاست واحدی را در بیش گیرند. اینک پس از پایان اجلاسیه، هر یک از جناحا می‌کوشند تا "گناه" رامتوج دیگری سازند.

بدون شک عوامل عدیده‌ای در ناکامی اجلالیهٔ "اوپک" موثر بوده است. به نظر ما مهمترین عامل و یا یکی از مهمترین آنها ادامهٔ جنگ ایران و عراق و اشغال آبهای خلیج فارس از جانب ناوگان جنگی آمریکا و یارانش در "ناتو" از سوی و توطئه‌های انحصارهای نفتی و عمال آنها ازسوی دیگر است.

ادامهٔ "جنگ خواه ناخواه" میان کشورهای عضو تضادی را بوجود آورده که از سیاست تجاوز‌کارانهٔ رژیم خمینی سرهشمه می‌گیرد. البته باید سیاست رژیمهای عربی حاکم در خلیج فارس را نیز نادیده نگرفت.

چند روز پیش صدای جمهوری اسلامی خبری از قول وزیر نفت رژیم پخش کرد که با واقعیت وقوع نمی‌دهد. آقای وزیر، کشورهای غیر عضو "اوپک" را مقصود شد که گویا حاضر به کاهش تهیهٔ تولید کشورهای آنکولا، مکزیک، مصر، مالزی و عمان به کنفرانس "اوپک" پیشنهاد کاهش صادرات به میزان ۵ درصد را به منظور تثبیت قیمت نفت در طبع تعیین شدهٔ کنونی آن کردند، اما این پیشنهاد از جانب شرکت کنندگان در کنفرانس رد شد. به همین سبب بود که در روزهای نخست آغاز کار کنفرانس

خود جمهوری اسلامی نیز فراموش نشده است. طبق موافقتنامهٔ میان سر جاسوس آمریکایی و نایاندۂ منتظری، دولت آمریکا متعهد گردیده است تجهیزات مدرن نظامی، از آنجمله موشكهای ضد هوایی، انواع رادارها و دستگاههای ضد رادار، یدکی لازم برای تانکهای آمریکایی در خدمت نیروهای سلح ایران و هواپیما و غیره را به رژیم خمینی تحويل دهد. اخبار خبرگزاریها نشانگر آن است که رژیم خمینی برخی از تجهیزات نظامی پیش گفتار را دریافت کرده است.

"نامهٔ مردم" تا کنون جهات کوناکون همسانی سیاست خارجی رژیم ج. ا. با امیریالیس آمریکایی را فاش ساخته است. علیرغم تبلیغات لطفی ضد آمریکایی و ضد عربستان سعودی، اینک ماشاهد همسانی سیاست جمهوری اسلامی با این باصطلاح دو "دشمن" خود در عرصهٔ "جدید کارزار ضد ازدو" هستیم.

چند روز پیش مجلهٔ آمریکایی "نیشن" نوشت که چند هفته قبل از امضا "قرارداد زنو" ایالات متحدهٔ آمریکا مقادیر زیادی سلاح به ارزش ۲۰۰ میلیون دلار توسط پاکستان در اختیار ضد

## ذراں پر وقس و نمایندهٔ . . .

کارشناسان، خارتها و واردہ به ایران سر به صدها میلیون دلاری زند.

عنک العمل رژیم در مقابل این جنگ اعلام نشده از جانب امیریالیس آمریکا علیه مردم ایران چه بوده است؟ جز رجز خوانی مبلغان رژیم آنهم در سطح بالا، هیچگونه عنک العملی از طرف سران رژیم مشاهده نشده است.

از ازونهای مطیعات جهان چنین برمی‌آید که درست هنگام حملات ناوگان جنگی آمریکا به سکوها نلتی و ناوگان جنگی ایران، سران رژیم در خطا به مذاکره با فرستادگان "واشنگتن" مشغول بوده‌اند. "نامهٔ مردم" به موقع خود خبر ملاقات نایاندگان خمینی با فرستادگان آمریکا در زنورا منتشر ساخت. روزنامهٔ انگلیسی "ایندیپندنت" در شمارهٔ ۲۰ ژوئن ۱۹۸۸ خود صحت خبر منتشره در "نامهٔ مردم" را تائید می‌کند. روزنامهٔ انگلیسی نویسندگان جنگی آمریکا از ۱۸ ماه پیش (بس از افشا" ماجرا ایران-گیت) بطور مجرمانه با جمهوری اسلامی ایران مذاکره می‌کرده است. "ایندیپندنت" با استناد به مراجع رسمی آمریکایی می‌نویسد که نایاندگان جمهوری اسلامی و آمریکا حداقل دوبار در ۲۵ اردیبهشت ماه و اوایل خرداد ماه در زنو و الجزایر ملاقات کرده‌اند. بنوشهٔ "روزنامهٔ انگلیسی هدف" "واشنگتن" کردن راه ایلای نقش موثر در ایران پس از مرگ خمینی است. در مذاکرات، جان و ایتماد، معاف و وزیر خارجه و ریچارد مورفی، معاف و خاورمیانه وزارت امور خارجهٔ آمریکا، صادق طباطبائی و محمد جواد لاریجانی، معاف و وزیر خارجهٔ ایران در امور اروپا و آمریکای شالی شرکت داشته‌اند.

ما در این مقال می‌خواهیم یکی از عرصه‌های جدید هکاری رژیم خمینی با امیریالیس آمریکا را فاش سازیم. بمحض اخباری که خبرگزاریها منتشر ساخته‌اند. در اواسط ماه مه سال ۱۹۸۸ نایاندۂ ویرهٔ منتظری در سازمان "جنبش‌های آزادیبخش اسلامی" بال ل. بروتس، رئیس ادارهٔ جاسوسی وزارت دفاع ایالات متحدهٔ آمریکا در آنکارا ملاقاتی داشته است.

مذاکرات پیرامون وضع افغانستان پس از امضا "قراردادهای زنو" صورت گرفت. نایاندۂ منتظری موضوع ج. ا. رادر قبلاً قراردادهای زنوبه سر جاسوس آمریکایی توضیح داد. دو طرف مذاکره به این نتیجه رسیدند که ج. ا. باید آمادهٔ "کمک" همه جانبه به آن گروه از آپوزیسیون ضد انقلابی پاکستان به وی پا در نظر گرفتن قراردادهای زنو امکان پذیر نخواهد بود. طرفین موافقت کردنند که ایالات متحدهٔ آمریکا به موازات کمک نظامی به ضد انقلاب افغانی متمرکز در خاک پاکستان، ارسال تجهیزات مدرن برای ضد انقلاب افغانی لانه کرده در ایران را نیز ادامه دهد. البته در این میان

# درود بر زندانیان توده‌ای و دیگر مبارزان انقلابی دربند!



یا در کثار "شرکت تعاوینی پیراهن دوزان"، با حمایت رژیم "شرکت تعاوینی صنایع پوشک" تأسیس می‌گردد. این شرکت، نه تنها در زمینه "واردات سرگرم فعالیت است، بلکه دولت نیز مواد او لیه" قابل توجهی در اختیارش می‌گارد. یکی از اعضای تعاوینی پیراهن دوزان درباره "شرکت تعاوینی صنایع پوشک" (بخوان: اتحادیه "سرمایه‌داران") می‌گوید که "۱۲٪ نظر عضو دارد، در حالی که اعضای آن یک کارگاه هم ندارند، ولی تا دلتان بخواهد سرمایه‌دارند" (همانجا).

و بانماینده "مشهد در سال ۶۴ از بیشتر تریبون مجلس اعلام داشت:

"وزارت صنایع به یک کارخانه دار آنقدر شهمه" جنسی و یا ارز می‌دهد که در بازار آزاد به چندین برابر قیمت پلر و شد ۸۶ میلیون تومان گرانفروشی کند و دیگری به نان بشش محتاج باشد" (اطلاعات ۶۴/۷/۲۲).

شره "سیاست و عملکرد رژیم آن شده است که اقایتی کوچک از صاحبان سرمایه‌های کلان نپاش سیار از امور اقتصادی و اهرمهای سیار اساسی در تجارت داخلی و خارجی کشور را در دست گرفته‌اند. در حال حاضر، دو هزار سرمایه‌دار دارندگان کارت بازار کانی که در صادرات و واردات دست دارند، پیش‌نهاد از سود کلان تجارت خارجی را به کار و صندوقهای خود می‌ریزند. بنکه "فرواد کریمی، نماینده" مجلس دوم، "در تجارت داخلی عده" اثکشت شاری از تجار بزرگ

تهران و مراکز استانها ثروتها کلان را به چیزی می‌زنند" (رسالت ۱۲/۱۱/۶۴). با "... این اقلیت ... پخش مهمی از سرمایه‌وکارهای بازار را در دست خود دارند و در یک کلام این اکثریت بازاری ... دارد زیرا له می‌شود" (ج. ۱. ۱۵/۵/۶). درباره "همین "اقلیت" کلان سرمایه‌داران، در مجلس، از زبان برخی اصناف و کبه مطرح می‌گردد که "جمعی بولدار که بعد از انقلاب مصدر بعضی امور هم شده‌اند، به عیان و نهان، هر چه توائسته‌اند، اندوخته‌اند و با ایجاد "شبکه‌های سلطه"، مارا" (بخوان: "کسبه را") تهدید می‌کنند که "در صورت سریعی از تصمیمات، حسابات را می‌رسم" و یک سیستم ارعاب بپردازند" (اطلاعات ۶۴/۷/۲۲).

بدینسان، صاحبان سرمایه‌های کلان بولیه سرمایه‌داران بزرگ تجاری و ابتدی، با بهره‌جویی از قدرت عظیم اقتصادی و قبضه کدن بسیاری از شبکه‌های مهم تجارت خارجی و تجارت داخلی، و همچنان با بخورداری از پشتیبانی بی‌دریه بیانکاران منافع خود را حاکمیت موقق شده‌اند که بر سرایی سیاست داخلی و خارجی کشور بولیه بر تضمیم گیریهای اقتصادی و برنامه‌ریزی رژیم تاثیرات جدی و گاه تعیین کننده بسود منافع شارتران است، خود بر جای گدارند. در واقعه، در موارد بسیاری این آنهاستند که سمت و سوی سیاست دولت را به بازار آزاد هم پلر و شد و پنجره تولید نمایند در درآمد بازار باعث تعطیلی و رکود کارگاههای کوچک خواهند شد، مثلاً کارخانه‌ای که امکانات تولیدی زیادی دارد، سفارشات ۴ شهرک را می‌پذیرد و هم درب و پنجره سازان کارگاههای نشانکر تنتک تر شدن پایگاه رژیم و تشید خصلت با سیاست‌های اتخاذ شده به نایبودی کشیده خواهند شد" (کیهان ۶۷/۲/۲۴).

شار بر کبه و پیشه‌وران و بطور کلی دارندگان سرمایه‌های کوچک و متوجه، از نظر سیاسی به استخدام خود در می‌آورد و کارگاههای بیرون زمان ارجاعی آن بعنوان مدافع کلان سرمایه‌داران است.

## سی و پنجمین سالگرد اعدام روزنبرگ‌ها

کارگاه اران آن بودند، همه کس و همه چیز را که رنگ و بیوی از ترقی، سوسیالیسم و کمونیسم داشت، دربر گرفت.

چولیوس روزنبرگ، مهندس و دارای یک کارگاه کوچک ماشین سازی، در چندین سندیکایی آمریکا فعال بود. کشیده شدن با، وی و همسرش به مسائل جاسوسی برای اتحاد شوروی امری اتفاقی بود. برادر اتل روزنبرگ، زمانی در محوطه آزمایش‌های هسته‌ای آمریکا شاغل بود. خود وی در دادگاه علیه روزنبرگ هاشداد دروغ داد. غیر از او عده دیگری نیز ماموریت داشتند شهادت دروغ پنهان نمودند. اینان در صدور حکم اعدام علیه روزنبرگ نقش کثیفی را ایفا کردند. هیئت منصبه تحت قرار گرفت و سرانجام رأی را که از لحظه سیاسی مقبول سیاست روز ابیات متحده با وجه مشخصه بارز کمونیسم ستیزی و شوروی ستیزی، هسته‌ای بود، اولین بمب اتمی را بر شهر هیروشیما، زاین قم و ریخت. منظور از این عمل چنایتکارانه، قدرتمندی در بر ابر اتحاد شوروی بود. از آن پس، سیاست اعمال زورو فشار مبتنی بر سلاح‌های هسته‌ای که با جنگ سرد همراه بود آغاز شد. اتحاد شوروی در سال ۱۹۴۹، اولین آزمایش هسته‌ای آمریکا را انجام داد و با این موفقیت خود نشانه‌های آمریکارانش بیر آب کرد. این سبب شد که در محافل حاکمه ایالات متحده هیتری ضد کمونیستی و ضد شوروی، بالا بینید. این موج، که مکاری و کیمیهایش

بین از صدور حکم اعدام موج همبستگی حقیقی پای لیوس دوازدهم خواستار لغو حکم اعدام آنان شد. آینه‌های رئیس جمهور آمریکا هم در خواست‌ها رارد کرد. در آمریکا از روزنبرگ هنوز اعاده "حیثیت نشده است.

اقتصاد یعنی صنعت و کشاورزی و دارندگان سرمایه بولیه سرمایه‌های کوچک و متوسط و نیز شاعلان در این پیشخواهی بر جای می‌گذارد. برای مثال می‌توان به یکی از پیامدهای ناشی از سیستم ناصحیح ارزی بسود پخش بازار کانی، آنهم در شرایط افلالس ارزی رژیم، در ارتباط با پخش صنعت اشاره کرد. بنابر آمار رسمی منتشره از سوی مرکز آمار ایران، از مجموع ۷۶۲۸ واحد کارگاههای صنعتی کشور، تعداد ۶۹ واحد آن یعنی بیش از ۶ درصد از کارگاههای صنعتی در سال ۶۴ به تعطیل انجامید.

اختصاص سهم ارزی بیشتر به پخش غیر مولد بارزگانی و خدمات در پیوند با پشتیبانی دولتی از سرمایه‌های کلان و به زیان سرمایه‌های کوچک و متوسط و تولیدات داخلی به اشکال و شیوه‌های گوناگون از جمله تضعیف تعاضی‌ها و اتحادیه‌های موجود صنوف و بدتر شدن وضع کسبه، جزء صورت می‌گیرد. در این زمینه از روزنامه‌های مجاز کشور نیز می‌توان بوقور شاهد مثال آورده. یکی از اعضای صنف درب و پنجره سازان پروغسل می‌گوید:

"تعاضی درب و پنجره سازان در سال ۶۶ نتوانسته است حتی یک کیلو آهن به اعضای خود بدهد ... (حال آنکه) کارخانجات درب و پنجره" پیش ساخته (یعنی وارد کنندگان یا دریافت کنندگان اصلی مواد اولیه) حتی اگر مواد اولیه خود را به بازار آزاد هم پلر و شد و درب و پنجره تولید نمایند در درآمد بازار باعث تعطیلی و رکود کارگاههای کوچک خواهند شد، مثلاً کارخانه‌ای که امکانات تولیدی زیادی دارد، سفارشات ۴ شهرک را می‌پذیرد و هم درب و پنجره سازان کارگاههای نشانکر تنتک تر شدن پایگاه رژیم و تشید خصلت با سیاست‌های اتخاذ شده به نایبودی کشیده خواهند شد" (کیهان ۶۷/۲/۲۴).

نوزدهم ماه ژوئن سال ۱۹۵۲ در زندان مخوب سینت سینت دو انسان شریف، دومبارزه اصلح، اتل و چولیوس روزنبرگ بی‌اصنایلی الکتریکی اعدام شدند. آنها پس از صدور حکم اعدام در اول آوریل ۱۹۵۱، بیش از دو سال را در سالول مرگ سرکرده بودند. حکم اعدام علیه روزنبرگ ها با انتقام واهی سپرده نشانه‌های تولید بمب‌های اتنی به اتحاد شوروی ساده بود. این جنایت بیش در آمد تاریخی خود را داشت، که به ۶ اوت ۱۹۴۵ باز می‌گشت. در این روز ایالات متحده آمریکا، بدون وجود هیچ‌گونه علت نظامی، هنگامی که چنگ دوم چهانی با پیروزی درخشان ارتش سخ در هم شکست و تسلیم فاشیسم هیتلری در اروپا به پایان رسیده بود، اولین بمب اتمی را بر شهر هیروشیما، زاین قم و ریخت. منظور از این عمل چنایتکارانه، قدرتمندی در بر ابر اتحاد شوروی بود. از آن پس، سیاست اعمال زورو فشار مبتنی بر سلاح‌های هسته‌ای که با جنگ سرد همراه بود آغاز شد. اتحاد شوروی در سال ۱۹۴۹، اولین آزمایش هسته‌ای آمریکا را انجام داد و با این موفقیت خود نشانه‌های آمریکارانش بیر آب کرد. این سبب شد که در محافل حاکمه ایالات متحده هیتری ضد کمونیستی و ضد شوروی، بالا بینید. این موج، که مکاری و کیمیهایش

## رژیم مدافعان

از محصولات داخلی و تولید کنندگان کوچک پشتیبانی و این عدم حمایت به اشکال و شیوه‌های گوناگون صورت می‌گیرد.

یکی از ابزارهای مهمی که دولت در دست دارد و می‌تواند از آن در تنظیم یک برنامه "مزون" و حمایت از تولید کنندگان محصولات صنعتی استفاده کند، تقسیم صحیح ارزی در بخش‌های مختلف اقتصادی کشور است. ولی از آنجاییکه حامیان سرمایه تجاري و اهسته در حاکمیت پیوخد خود را به زیان منافع ملی، در کاهش هر چه بیشتر تولیدات داخلی می‌بینند، در تقسیم ارز، هم بیشتر را به بخش بازارگانی اختصاص می‌دهند. بکله "یک مقام آگاه صنعتی" توجه کنید. او می‌گوید:

"ضایعه" بزرگی که در سال گذشته در سیاستگذاریها وجود داشت تقسیم غلط از ز در بخش‌های مختلف اقتصادی کشور بود.

در سال گذشته سهم ارزی بخش صنایع از سهم بخش بازارگانی کمتر بود و در نتیجه، کالاهای پیش از امکان تولید آن در داخل قراهم بوده کشور وارد شد ... صنایع کشور به دلیل نداشتن سهم ارزی کافی مجبور به کم کردن کارخود شده بودند. مثلاً در سال گذشته ۲. ۲ میلیون متر پارچه به کشور وارد شد در حالیکه بیشتر کارخانجات ریسندگی و بافندگی که اکثر از استان اصفهان ایجاد شده بخاطر نداشتن ارز باکتر از نیمی از ظرفیت خود کار می‌کردند (کیهان ۶۷/۲/۱۷)، با "کبریت پاکستانی" و صابون ترکیه با ارز مملکت وارد شد، در حالیکه همین محصولات در کشور قابل تولید است" و یا "ماشین‌های بیش از چند میلیونی" بجا مانش آلات وارد گردید (کیهان ۶۷/۲/۹). باید توجه داشت تقسیم نادرست ارز بسود بخش بازارگانی تاثیر ملتفی بر دیگر بخش‌های مولد

کارخانه از سیاه کیک گرفته است. این گروه ۱۲ نفری، ۱۰ تا ۱۲ نفر حاضر به رفقن به صنایع دفاع نشده اند و خواسته اند که در "ارج" همکارشان ادامه دهد. این گروه پلافلسله از کار اخراج شدند و از ورود آنها به کارخانه چلوگیری شد. قرار است که بقیه ۱۵۰ نفر کارگر مسئولان "انجمن اسلامی" شد. این واحد تاکنون چند مدیر عوض کرده است. پیش از عسکری اشخاصی چون اربابی و سلیمانی مدیریت کارخانه را به عهده داشتند. این اواخر، کارخانه توانست مواد مورد نیازش را، بدليل اختلاسهای هنگفت و محدودیت ارزی، از ایتالیا و اسپانیا و ژاپن تأمین کند و گفته می شود که برای نجات از ورشکستگی تن به تولید نظامی داده شده است.

### "علی سگ پز" و غدای مربوطه

کارگران شرکت تولیدی "کفش ایران"، واقع در میدان شهداء، از وضع بد غذا ناراضی اند. کمیت غذا بد است و به دفعات در آن سوک و کرم وغیره دیده شده است. هنکام تقسیم غذا برای نورچشمی ها تعیین قائل میشوند و... مدیریت به شکایت کارگران، که ۲۰۰ نفر میشوند، توجهی نمیکند. کارگران آشیز "حرب الله" کارخانه را "علی سگ پز" لقب داده اند.

### ادر گیری مدیریت و انجمن اسلامی کموسو"

میان مدیریت و انجمن اسلامی شرکت "کموسو" وارد کننده "ماشین های سنتی و تعمیر کننده" آنها، در گیریهای شدید کار را بجا های پاریک کشانده است. ابتدا انجمن اسلامی یک لیست ۱۲ نفری از پرسنل شرکت را، که بالغ بر ۱۲۰ نفر می شوند، در اختیار مدیریت فرارداد و خواستار اخراج آنان شد. مدیریت زیر بار شافت و رسمآ خواستار شد که سند و مدارک لازم و مستدلی ارائه داده شود. پس از مدتی زدیهای کلان اعضاً انجمن اسلامی، که مسئولیت های بالائی را به عهده داشتند، با کمک عده ای از پرسنل، کشف گردید و هیئت مدیره با اراحت اسناد و مدارک لازم آنان را اخراج کرد. اخراج شدگان هر ماه حقوق و مزایای خود را دریافت می داشتند، اما از تلاش برای بازگشت بکار باز نی ایستادند. اخیراً، هیئت مدیره \* شرکت "کموسو" بر کنار و هیئت مدیره \* دیگری جای آن را گرفته است.

### کاهش تولید در "مزدا"

تولید در "ایران وانت" ("مزدا") بشدت کاهش یافته است. بویژه تولید مزدای ۱۰۰ و ۱۶۰ و علت کاهش شدید تولید کمبود ارز است. در این واحد همچنین نوع مخصوصی از مزدای ۱۶۰۰ اتوماتیک که دارای درهای ورودی و خروجی ویژه \* معلومین است تولید می شد، که تولید آن از جانب راهنمایی و رانندگی خطناک تشخیص داده و متوقف شده است.

کمیته و مهدوی کی از مرگ نجات یافتند بود، بد مدیریت کارخانه همکار. وی علاوه بر مدیریت وظیفه پیش نمایی را نیز به عهده دارد. پس از انقلاب، همین که "شرایط آماده شد"، تعدادی از کارگران انقلابی و متفرق از "فرنیاکو" اخراج شدند. و اخراج آنان حتی سه اعتراف مسئولان "انجمن اسلامی" شد. این واحد تاکنون چند مدیر عوض کرده است. پیش از عسکری اشخاصی چون اربابی و سلیمانی مدیریت کارخانه را به عهده داشتند. این اواخر، کارخانه توانست مواد مورد نیازش را، بدليل اختلاسهای هنگفت و محدودیت ارزی، از ایتالیا و اسپانیا و ژاپن تأمین کند و گفته می شود که برای نجات از ورشکستگی تن به تولید نظامی داده شده است.

### کارگران شهید می دهند، مدیران پاداش می گیرند

از طرف مدیریت شرکت "پخش الهرز"، پیش کننده محصولات شرکتهای دارویی، مراسی هرای پشتیبانی از سیاست چنگ طلبانه رئیم برگزار شد. در این مراسم فخر الدین حجازی، نایابنده مجلس، شرکت کرد تا برای چمع آوری کوشش دم توب سخنرانی کند. وی ضمن پرشمردن "دستاوردهای انقلاب اسلامی" و "مواهب چنگ" گفت: "تمام بار چنگ بردوش مستضعفان بوده است. این کارگران بودند که خیل شهدا را دادند و...". در پایان سخنرانی یکی از کارگران پرسید: در حالیکه شما از اماکن کارگران میخواهید که باز هم مثل گذشته از خود فداکاری شان را بهدیم، چرا در حالی که ما به نان شب محتاج هستیم، مدیران شرکت از طرف "بنیاد" هر کدام ۴۵ تا ۹۰ هزار تومان پاداش گرفته اند؟ فخر الدین حجازی پاسخی برای این پرسش نداشت و مدیر عامل شرکت که فکر می کرد قضیه پاداش کاملاً مجرمانه ها قی مانده است، از شدت عصبات خودش را می خورد. مراسم به دون نتیجه پایان یافت و کسی به ۴۴۴ چذب نشد.

### کارگران مازاد "ارج" برسر دوراهی

در کارخانه "ارج" ۱۵۰ نفر از کارگران مازاد براحتیاج تشخیص داده شده اند. این کارگران بر سر دوراهی معرفی به صنایع وزارت دفاع و اخراج قرار گرفته اند. کسانی که به وزارت دفاع معرفی می شوند، در واقع تحت بازجویی قرار می گیرند و اکثر از هر چهت مورد "اطمینان" بودند با آنها قرارداد بسته می شود. در غیر اینصورت به بیمه بیکاری معرفی می شوند. سال یویش، که اولین گروه کارگران "مازاد" به صنایع وزارت دفاع معرفی شدند، مقاومت و اعتراض شدید کارگران موجبه توقف این روند شد. ولی امسال مجدداً مسئله از سرگرفته شده و در تاریخ ۱۶ دی اسامی ۱۲ نفر برای این روند است. هنوز در کارخانه نفوذ دارد. او توانته است شخصی هنام عسکری را که مورد خشم و از هزار کارگران بود و پس از پیروزی انقلاب قصد اعدام انقلابی او را داشتند، اما با دخالت



## از کارخانه ها، زندگی و رزم کارگران

### در گیری در "صنایع چوب ایران"

پنهان در گیریهای که در ۴ و ۵ مهرماه در "صنایع چوب ایران" میان اعضای هیئت مدیره و مدیر عامل پیش آمد و سه روز بطول انجماید، وزارت اطلاعات دخالت کرد. اعضای هیئت مدیره و هیئتی از پانک مسکن، به سریرستی شخصی هنام "آذرنیا"، خواستار استغفاری مدیر عامل شده بودند و مدیر عامل نیز آنان را به رشوه خواری و کارهای خلاف متمهم میگرد. کارگران که از دخالت عوامل رئیم در امور کارخانه خشمگین شده بودند، نسبت به عمل وزارت اطلاعات اعتراض کردند. این سه شد که ماموران وزارت اطلاعات کارخانه را ترک گویند. در هریان در گیری، کارگران چند نفر از عوامل رئیم در هیئت مدیره را، که پهوجه مذکوره مستقیم با رویس پانک مسکن خواهان روشن شدن وضع کارخانه گردیدند. مذکوره کارگران حول مسائل صنفی و امور کارخانه دور می زد و رویس پانک میگوشید کارگران را متنقاد داشتند و به آنان هشدار بدهد که حق ندارند در امور مربوط به اداره کارخانه دخالت کنند. یکی از کارگران که گویا "پا را از گلیم خود درازتر کرده بود" از سوی رویس کارخانه تهدید شد که: "به آنجا میاندازتم که عرب نی بینداز". در حالی که به اشاره محافظ رویس کارخانه، ماموران امنیتی زمینه دستگیری کارگر "زبان دراز" را فراهم می کردند، کارگران همکارشان را فرار دادند. گفته می شود که مدیر عامل "صنایع چوب ایران" خود از اعضا امنیتی رئیم بوده که از کار خود استغفار داده است.

### در روند نظامی شدن خط تولید

خط تولید در "صنایع ماشین های چوب" (فرنیاکو) نظامی شد. مدتی است که در این واحد به جای رادیاتورهای شوفاژ و اره های سه کاره و پنج کاره خیاره تولید می شود. "فرنیاکو" هزو شرکتهای ملی شده "هنده" است که ۲۷ نفر کارگر و کارمند دارد. به صورت قراردادی کار می کنند صاحب قهقهی آن مهندس فرزانه، و معاون فلی سازمان مسکن، است که هنوز در کارخانه نفوذ دارد. او توانته است شخصی هنام عسکری را که مورد خشم و از هزار کارگران بود و پس از پیروزی انقلاب قصد اعدام انقلابی او را داشتند، اما با دخالت

بمناسبت بیست و پنجمین سالگرد درگذشت ناظم حکمت  
شاعر بزرگ کمونیست ترکیه

چهارماه طاقباز داراز کشیده بودم  
در انتظار مرگ

پیشیده ام طعم حسادت دیوانه وار را  
بخاطر محبو به ام  
حد نور زیدم به کسی  
حتی به چایلین

دستان راهی چگاه فریب ندادم  
می نوشیدم، ولی هرگز دائم الخمر نشدم  
خدار اشکر که ناش را  
تنها از دسترنج بک آوردم  
دروغ گفته ام، زیرا بجای دیگری خجالت می کشیدم  
دروغ گفته ام بخاطر اینکه دیگری را از خود نرجانم  
دروغ گفته ام کاه می هیچ دلیل  
سوار قطار شده ام، با هواییم را واز کرده ام  
حال آنکه بیشتر مردم برای این کار بیول ندارند  
به ایر امی رفت  
به جایی که بیشتر مردم نشیده اند  
نامش را

نرفته ام به جاهایی  
که بیشتر مردم می روند  
به مسجد، به کلیسا، پیش دعاخوان و فالکبر  
هر چند بارهای با درد قوه فال گرفته ام

آثارم به سی چهل زبان پهچاپ می رسد  
درسی چهل کشور  
در ترکیه "من  
به زبان ترکی  
چاب آذار قدرگون است  
سرطان نکفته ام  
با این وجود، این حتمی نیست  
وزیر نخواهم شد  
راستش را بکوبم دلم هم نمی خواهد  
در جنک نبوده ام به یناهکاه هم نرفته ام  
هیچگاه فرار نکرده ام  
از هواییم در حال مانور  
ولی در عوض در سن شصت سالگی عائش شدم

کوتاه سخن، رفقا!  
اگر امروز من مثل سک از تنهایی دارم می بدم  
در عرض مثلیک انسان زندگی کرده ام  
و بازم زندگی خواه کرد  
و چه کسی می داند  
چهای بیین  
چهای بیازمایم

در ۱۱ سپتامبر ۱۹۶۱ در بیر لین تکاشه شده است

اسوه برای همه خواهند بود. ولی متناسبانه با عنوان  
ملکاهم "ارشادی" و "مولوی" و با "صدر و دیل قرار  
دادن" و به عنوان "آزادی" با ولایت فقهی مخالفت  
نمودند.

وی از وود، عمر مجلس کوتاه است و مخالفت  
با ولی فقیه لکه ننتی است که سعی کنند به آن  
آلوده نشوید و آنجا که حضرت امام نظری داد، شما  
شرعاً آزاد نیستید".

"اطلاعات" ۲۰ خرداد ۱۳۶۷

## زندگینامه

در سال ۱۹۰۲ زاد شدم  
به زادگاه باز نشتم  
دوست ندارم باز گردم  
سے ساله بودم که در آلبیونه باشدم  
در نوزده سالگی در مسکو  
دانشجوی دانشگاه کونیستی شدم

در چهل و نه سالگی دوباره در مسکو  
میهان کهیته "مرکزی حزب  
وازچهارده سالگی در عالم شعر، شاعر شدم

برخی ها انواع رستنی هارامی شناسند  
برخی دیگر، انواع ماهی هارا

ولی من، انواع جد ای هارا.  
برخی نام ستارگان را زیر می دانند

ولی من نام جد ای هارا  
در زندانها و هتل های بزرگ خوابیده ام  
حق طعام "مذاهای دنبیار اجشیده ام  
و در همان حال طعم گرسنگی و اعتصاب مدارا هم می دانم  
سی ساله بودم که می خواستند اعدام کنند  
که نکردند

چهل و هشت ساله بودم  
که می خواستند بن جایزه "صلاح اهد اکنند  
و من این جایزه را گرفتم

سی و شش ساله بودم  
که شش ماه آزار  
چهار متر کل بتوئی سلول انفرادی را پیمودم

پنجه و نه ساله بودم  
که مدت هیجده ساعت  
از پر اگه به هاو انا پر و از کرد  
لنین را وقتی زنده بودندیدم  
در سال بیست و چهار در کارد احترام بودم  
اما در سال شصت و پیک همچنان به پیش لنین می رفت،  
در آرامگاه کتابهای او.

سعی می کردند مر از حبیم جد اسازند  
به کام دلشان نرسیدند  
بیت ها سر نکون شدند، ولی شکسته ها

مرا در هم نشکستند  
۱۹۵۱

در دریا، من بارگین جوانی  
بسی مرگ می رفت  
۱۹۵۲

با قلب ریش ریش

## بدون تفسیر

مهدوی، نایابنده "بابلسر در مجلس":  
بطور کامل و بدون قید و شرط از مقام رهبری و  
ولایت فقیه اماعت کشید و در هر مورد که ولی فقیه  
نظری داده و یا اشاره و راهنمایی فرموده اند به آن  
عمل نمایید و مانند بعضی از نایابنده کان دوره "دوم  
مجلس نیاشد که قبل از آمدن به مجلس فکر می کردیم  
در اماعت بی قید و شرط از مقام ولایت فقیه، التو و

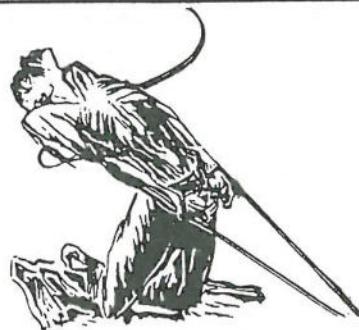
## در راه تجدید و تشدید

روابط اقتصادی ج. ۱. با ایالات متحده "آمریکا  
بطور غیر مستقیم، با واسطه قراردادن ترکیه و اکنون  
پاکستان، انجام می شود. مثلاً، حسن عابد جعفری،  
وزیر بازرگانی ج. ۱. در بازگشت از سفر اخیر خود  
به پاکستان می گوید: "در این سفر در مورد مبادله  
سه چانه "کالا بین ایران، پاکستان و کشور ثالثی  
که بتواند نیازهای جمهوری اسلامی را تأمین نماید  
بحث و تبادل نظر شد و مقرر شد که ایران اقلام  
کالاهای خود را بر اساس قیمتی های بین المللی از  
کشور ثالثی که با پاکستان طرف قرارداد می باشد  
خریداری نماید و پاکستان بتواند کالای خودش را  
به این کشور صادر کند و در مقابل از ایران به همان  
میزان کالا به وزیر بازرگانی جرأت نمی کند نام آن را  
بر سر زبان آورد، چه کشوری بجز ایالات متحده"  
آمریکا می تواند باشد؟

آنچه که ج. ۱. راه اتخاذ امن ارزی "توسعه و  
تعیین روابط" با "غرب" شامل اروپا، آمریکا و  
ژاپن و ادار کرده است، ساختار وابسته "اقتصاد  
ایران است که در دوران رژیم پیشین با وابستگی  
شديدة سیاسی توأم بود. این "کشور  
عیچگاه دچار گرگونی اساسی نشد. با آنکه در آغاز  
انقلاب، مدت کوتاهی در منابع "غرب" رکود  
ایجاد گردید، اما رژیم ج. ۱. که قادر نشد به  
خدوکتابی و استقلال اقتصادی دست یابد در راه  
احیا" وابستگی اقتصادی به "غرب" کام برداشت و  
طبیعی است که این روند وابستگی سیاسی را نیز با  
خود همراه خواهد داشت. تا چند سال پیش بیش از  
۸۰ درصد معاملات خارجی ج. ۱. با کشورهای  
امپریالیستی انجام می شد. امزوه علی رغم  
پارهای "اختلاف" ها با برخی از کشورهای  
امپریالیستی، مثلاً انگلستان و فرانسه، حجم  
معاملات با کشورهای امپریالیستی رو به افزونی  
است و بقول لاریجانی می رود که "ابعاد دیتی" ای  
بخود بتکرید. روابط ایران با کشورهای  
امپریالیستی، چه در دوران سلطنت پهلوی و چه در  
دوران حاکمیت "ولایت فقیه" هیچگاه سالم و بهتر  
حقوق نبوده است و نیست. زیرا این انحرافات  
امپریالیستی هستند که ریش و قیچی را در دست  
دارند و حرف آخر را می زندند. این آنها هستند که در  
همکاری با کلان سایه داران داخلی و در چارچوب  
منافع شترک خود با آنان به اقتصاد کشور ماجهت  
دلخواه خود را می دهند.

علرخواهی ج. ۱. از فرانسه و بی تردید در  
آینده "نزدیکی از انگلستان را باید در این  
چارچوب ارزیابی کرد. بقول اصر زاده، یکی از  
نایابنده کان مجلس جدید، هرای "عده ای" در  
حاکمیت ج. ۱. (که اهرمای عده "قدرت اقتصادی  
و تا اندازه" زیادی قدرت سیاسی را در دست  
دارند) تلقی سایه داران داخلی و در چارچوب  
منافع شترک خود با آنان به اقتصاد کشور ماجهت  
آنند که جزئیاتش را "اسلامیزه" کنند.  
بنابر این است امن ارزی "توسعه و تعیین روابط"  
با "غرب" همانطور که اشاره شد، تازگی تدارد.  
آنچه که تازگی دارد بخش دوم کلته های لاریجانی  
است. منظور وی از "ابعاد دیتی" منابع ج. ۱. با  
کشورهای امپریالیستی چیست؟

## نابود باد جنگ، زنده باد صلح



## گزارش‌هایی از

### سیاهچال‌ها

چه بروز عزیزان در زندان آمده است. هر لحظه منتظر فاجعه‌ای هستند.

در زندان مخوف نقده، علاوه بر اعدام شدکان، تاکنون دهها زنگ شکلجه جان سپرده‌اند و یا چار آسیب‌های جدی جسمی و روانی شده‌اند. بیش از ۹۰ درصد زندانیان، مبارزان خلق کرد و مردم عادی هستند. اینان به بهانه‌های واهی دستگیر و به سیاهچال‌ها افکنده شده‌اند.

در این زندان، برای گرفتن "اقرار" زندانی را با یکدست آویزان می‌کنند و در همین حال زیر ضربات کشته شوند. شکستن دست و پا و کشیدن الکتریکی، داغ کردن، شکستن چشم و پا و کشیدن ناخن از رایج ترین شکلجه‌های است. ای سازندانیانی که در شباهی سد زستان، فقایه‌ای یک پتو و کاهی حتی بدون آن، در حیاط زندان نکهداشته شده‌اند. در این میان هستند انسانهای آزاده‌ای که از سرماشک شده‌اند و جان سپرده‌اند.

در کردستان کمتر کی از امنیت برخوردار است. هر لحظه باید در انتظار پاشی که دستگیر شوی و

زیر شکنجه بروی. ساواکی‌های سابق به خدمت رژیم در آمده‌اند. قلعه‌های سایج، تحت حمایت رژیم، روتاستایان کرد را زیر فشارهای شدید قرار می‌دهند. هر روز زندان نقده کروی از زحمتکشان را در سولهای خود جای می‌دهد. هر گونه اعتراض به دستگیری، ضرب و شتم، پرداخت جریمه‌های کلان، از دست دادن کار و غیره می‌انجامد. مقاومت در هر ابرخان‌ها و سریعیجی از دستور آنان باشکنجه و گاه با کلوله پایخ داده می‌شود. هیچ مرجم قضایی به شکایتها و اعتراض‌های خانواده‌های دردمند زندانیان سیاسی رسیدگی نمی‌کند. مسئولان سیاه، کمیته‌ها، خوانین مسلح و حکام شرع هر طور که دلخواه‌شان باشد عمل می‌کنند و به اشاره "آنها چه جنایتها بیکار بوقوع نمی‌پیوندند.

اما، به رغم این جو شفقات و وحشت، مبارزان خلق کرد به زندان در ترنی آیند. بوبیزه در سیاهچال‌های زندان قرون وسطایی نقده حمامه می‌آفرینند. مقاومت آنان سبب پاس و درماندگی شکنجه کردن می‌شود.

### اد شیوه‌های "انتقال مفاهیم ارزش‌ها" به کودکان

فشار روحی برای بزانو در آوردن زندانیان سیاسی از شیوه‌های رایج در این میان است. یکی از این شیوه‌ها آزار خانواده زندانیان سیاسی، از پیر تا جوان، بوبیزه شکنجه "روحی کودکانی" است که برای ملاقاتات با پدر یا مادرشان به زندان می‌روند. این شیوه در زندانهای گوناگون به اشکال مختلف پکار گرفته می‌شود.

### پیک اتفاق معمولی

از اخخاص عادی است. هیچگاه در "مسائل سیاسی" دخالتی نداشته است. کمیته‌چی‌ها، یک سال پیش، در خیابان به او مشکوک شدند. دستگیرش کردند و به شکنجه گاهش کشاند. حالا، پس از یک سال شکنجه، یا یک عذرخواهی ساده آزادش کرده‌اند. گفتند اشتباهم رخ داده و تهدید کردند که اسرار زندان را فاش نسازد، چون پیامد خوبی ندارد... نظیر چنین بخوردهای نه با او بلکه با صدمان غریب آدم بیکنده است.

می‌گوید: پس از دستگیری، بلا فاصله بازجویی‌های اولیه آغاز شد. محل کار و زندگی فعلی و قبلی خود را کشفتم. با آن که خلاف واقع جواب نداده بودم و آنها پس از تحقیق به درستی پاسخ‌ها معلم‌شده بودند، شکنجه آغاز شد. مشت و لکد و شلاق و کابل جزو برنامه‌ای معمولی روزانه بود. زندگی ام در سلوی انفرادی به کنندی می‌گذشت. بسیار دشوار بود. بعد از شوک‌های الکتریکی ساعتها می‌لرزیدم. این لرزش منزو در جسم من باقی است.

کافی است به باد شوک الکتریکی بیفقط تائنت شروع به لرزش شدید کنم. پس از چند ماه تلاش، شکنجه‌گران که برای گرفتن "اعتراض" از من به آب و آتش می‌زندند، نتیجه‌ای دستگیرشان نشد. زیرا من کاری نکرده بودم و به هیچ سازمانی هم تعلق نداشتم. در این مرحله، شکنجه‌ها شدیدتر شد. از دستگاه‌هایی استفاده می‌کردند که ساعتها مج یا ها و دستها را تا مرز شکستن استخوانها می‌فرشند. سلوهای متخرکی بود که مانند گور سسته می‌شد و زندانی را مدت‌ها بحرکت در آنها نت‌می‌میدید اشتد تا وارد به "اعتراض" کنند. من نیز از این سلوهای بی‌تصیب نماندم. طی نزدیک به یک سال فقط سلوهای را از سلو خود خارج کردند. سلو من پر از موشهای بزرگ بود که تصمیم گرفتم برای راحتی تعدادی از آنها را بکشم. لاشه "متغیر این موشاها تا تجزیه" کامل، تا پایان دورانی که من در سلو بودم، همانجا باقی ماند. تا اینکه بالاخره فهمیدند که من کارهای تبوده ام و نیستم. گفتند اشتباهم رخ داده... در تمام مدت زندان خانواده‌ام از وضعیت من کوچکترین اطلاعی نداشتند. ای سازندانیانی که زیر شکنجه می‌شوند و یا اعدام می‌شوند و هیچ کس خبردار نمی‌شود. حالا من شناس آوردم که...

### در شکنجه گاه نقله چه می‌گردد؟

زنان و مردان و کودکان بسیاری از نقده، اشتباهی، بی‌انشه و روستاهای دور و پرآمده اند و در هر ابر زندان نقده صلیخ شدند. ای سازندانیانی آنهاست. می‌آیند و به انتظار می‌ایستند تا بدانند

## برای نجات زندانیان

## سیاسی متحدشونیم!

زندان نته داشته اند...

نظیر چنین سخنانی در گزارش‌های متعددی که درباره وضع زندانیان سیاسی به دفتر "نامه مردم" می‌رسد تکرار می‌شود. اغلب زندانیان سیاسی تحت فشار شدید قرار گرفته اند که نوار ویدو پر کنند و یا در "اصحابه" تلویزیونی شرکت کنند و یا در جلسات نمایشی که در "حینیه" اوین ترتیب داده می‌شود بپایند و به گناهان ناکرده "اعتراف" کنند و به عقاید سیاسی خود خط‌بطلن بکنند. رفیق دکتر احمد دانش می‌نویسد: "هم اکنون انسانهایی از گروههای مختلف سیاسی در زندان بسیاری می‌بینند که اصل حکمی تترفته اند. زیرا محتویات پرونده"

آنها قابلیت صدور هیچ‌گونه حکمی را ندارد و آزادی آنها موكول به "اصحابه" و ابراز تنفر و در واقع فحاشی به خودشان شده است و هستند تعداد زیادی که حکم آنها بیابان رسیده و با وجودی که دوران زندانی آنها بیابان رسیده است ... ملی کشی می‌کنند. آزادی آنها موكول به "اصحابه" یعنی حاضر شدن پشت دوربین فیلمبرداری و به خود فحش دادن و خود را بی آبرو کردن شده است". هم اکنون آزادی صدھا نهر از زندانیان سیاسی "سر موضع" که دوران محکومیتشان تمام شده و در سخت ترین شرایط در بندۀ‌های جداگانه بسیاری می‌برند

در گرو نوشتن ارزیجار نامه و شرکت در "اصحابه" است. یکی از رفقا می‌نویسد: "شخصی بنام خلخالی (نه خلخالی معروف)"، از تماشندگان خمینی در "هیئت عالی غفع زندانیها" در زندان اعلام کرده است که "مجلس این مسئله را تصویب نموده که در بیابان حکم و قبل از آزادی مصاحبه و نوشتن ارزیجار نامه از سوی متهم صدر صدای باید انجام شود" (!؟)

وی همچنین خطاب به توده‌ایها و فدائی‌ها گفتند است: "حکم شما مارکسیستها و کمونیستها در حاکمیت اسلامی اعدام است، ولی چون پدر و مادر و خانواده اینکه افراد مسلمانند براز آنها حکم اینکه افراد مسلمانند باشند. حتی اگر همه آنها که به حال مسلمانند به تشخیص نماینده" دادستانی بی خطر شاخته شوند و آزاد گردند، شاحته‌ایا باید این مصاحبه را به انجام براند، والا بیابان حکم در مورد شامه‌هومی ندارد و اینجا خواهید ماند".

از مدت‌ها پیش برای دھنها نهر از زندانیان توده‌ای احکام اعدام صادر شده است. مقامات دادستانی در پاسخ به خانواده‌هایی که برای آگاه شدن از وضعیت عزیزان در بندشان به آنها مراجعه می‌کنند، پاسخ می‌دهند: "برای زندانی شما حکم اعدام آمده. فعل رفته قم. اگر تایید شود هیچ کاریش نمی‌شود کرد. بروید دعا کنید، کاری از شما ساخته نیست". شخص مسئولی در دفتر خویشینی‌ها، دادستان کل کشور، گفتند: "مانند نی دهنم که توده‌ایها را اعدام نکنند. همه چیز بستکی دارد به وضع سیاسی جامعه. اگر وضع عوض شود، شاید همه را اعدام کردد. کار اینها معلوم نیست". رژیم بدینسان می‌کوشد تا از سوی خانواده "زندانیان

سیاسی پلاکلیف وجود دارد که مدت محکومیتشان پایان یافته است ولی بعلت اینکه ازدادن ارزیجار نامه خودداری کرده اند آزاد نمی‌شوند. این عده مدت‌هاست که از هوای خوری و میوه محروم اند و کیفیت مذاقیشان بسیار نامطبوب است.

\* یکی از زندانیان اوین، ۱۶ نهر زندانی سیاسی پلاکلیف وجود دارد که مدت محکومیتشان پایان یافته است ولی بعلت اینکه ازدادن ارزیجار نامه خودداری کرده اند آزاد نمی‌شوند. این عده مدت‌هاست که از هوای خوری و میوه محروم اند و بعلت اینکه در بکی از شهرهای آذربایجان می‌گوید: رژیم جهت آزادی زندانیان سر موضع (که مدت محکومیتشان تمام شده است) هیچ برنامه‌ای ندارد. فشارهای روحی و روانی، کمبود غذا و غیره برای آن است که این زندانیان از موضع خود عقب پنهانند. ما تصمیم داریم مبارزه "خود را ادامه دهیم و تسلیم فشار نشیم. بهمین دلیل درهای زندان، جز از راه سرنگونی رژیم "ولایت فقیه" بروی، ما باز نخواهد شد. در حال حاضر ما تمام زندگی و مبارزه "خود را در زندان جستجویی کنیم و صادق است.

تکیه" مقام مسئول در دفتر خویشینی‌ها بر

سران رژیم کامی و قیحانه ادعایی کنند که در ج. ا. کسی به جرم داشتن عقیده تحت پیگرد قرار نمی‌گیرد. رفیق دکتر احمد دانش در نامه "تکان دهنده" خود به منتظر این ادعای اشیداده می‌کند و می‌نویسد:

"در کلی خواستی که برای من تدوین شده است، ضمن بر شریدن تاریخیه "زندگی سیاسی من از سال ۱۳۶۹ تا کنون، در بند آخر، بعنوان یکی از موارد جرم اینطور مطرح شده است که چون نامبرده مجازات شدید شرعی می‌شود. و عجیب‌تر اینکه همین سوال در دادگاه هم مطرح شده است. در موارد عدیده شاهد بوده‌ام و شاهد هستم که انسانهای فقط بخاطر داشتن عقیده و آنهم عقیده‌ای - که چه با آن موافق و یا مخالف باش - خیلی ساده و بی‌آلیش امرداد عدالت اجتماعی است و نه هیچ چیز دیگر در

زندان است. زندانیان سیاسی مجبور می‌شوند در مقابل دادن بین اجنبای را، که به مراتب کرانتز از "بازار آزاد" در خارج از زندان است، خردباری کنند. بطور نمونه رومین فرت که در "بازار آزاد" ۴۵. تومان به فروش می‌رسد، در فروشگاه زندان ۷۵. تومان است.

\* زندانیان سیاسی اوین از خانواده‌های خود خواسته اند که برایشان نمک بباورند. آنان از نمک برای شستن دندانها و ضد علوفه کردن دهان استفاده می‌کنند، چون خمیر دندان به آنان داده نمی‌شود. اما زندانیان از گرفتن نمک و تحول آن به زندانیان خانواده‌ای زندانیان سیاسی نمک را همراه با یک نامه، اعتراضی به دادستانی "اوین" بردند، ولی دادستانی نیز از پذیرفتن نمک سرباز زد.

\* در بند ۴ زندان اوین، ۱۶ نهر زندانی سیاسی پلاکلیف وجود دارد که مدت محکومیتشان پایان یافته است ولی بعلت اینکه ازدادن ارزیجار نامه خودداری کرده اند آزاد نمی‌شوند. این عده مدت‌هاست که از هوای خوری و میوه محروم اند و بعلت اینکه در بکی از شهرهای آذربایجان

می‌گوید: رژیم جهت آزادی زندانیان سر موضع (که مدت محکومیتشان تمام شده است) هیچ برنامه‌ای ندارد. فشارهای روحی و روانی، کمبود غذا و غیره برای آن است که این زندانیان از موضع خود عقب پنهانند. ما تصمیم داریم مبارزه "خود را ادامه دهیم و تسلیم فشار نشیم. بهمین دلیل درهای زندان، جز از راه سرنگونی رژیم "ولایت فقیه" بروی، ما باز نخواهد شد. در حال حاضر ما تمام زندگی و مبارزه "خود را در زندان جستجویی کنیم و پس.

بستکی وضع توده‌ایهای در بند با وضع سیاسی جامعه، بسیار معنی دار است. در شرایط کنونی حاکمیت ج. ا. با بحرانی فراگیر روپرور است. رژیمی که نتوانسته است و نمی‌تواند پاسخگوی خواستهای توده‌ها باشد و از عهده "کشایش مشکلات حادسی‌ای" - اجتماعی بر نیامده و نخواهد آمد، جز تشدید ترور و اختناق راهی در برایر خود نمی‌بیند. در این چارچوب، فشار بر زندانیان سیاسی و افزایش شمار اعدامها برای ایجاد هراس در جامعه یکی از حردهایی است که رژیم از بکار گرفتن آن ایشانی ندارد. تکیه "سازمان غلو بین الملکی" در بیانیه "اخیر خود، بر اعدامهای که در بیشتر موارد در خلا انجام می‌شود، بیان‌کرده این واقعیت است. علاوه بر این موج دستگیریها در جامعه افزایش یافته است. بجز نیروهای انقلابی فعل که داشتا تحت پیکرده هستند، و خوشبختانه هشیاری انقلابی آنها موجب می‌شود که اغلب تیر را به سرگین بخورد، گروهی از زندانیان سیاسی آزاد شده مجدد دستگیر شده اند. در سوره توده‌ایها، دادیار کرج گفتند: "ماتازه داریم (آنها را) می‌کیریم". در این شرایط شکنجه و آزار زندانیان سیاسی تشید شده است. به ما می‌نویسند: "تختهای مرغه بخون، کابلهای فرسوده شده و تسدۀ‌ها و کابلهای برقی را که برای تازه واردن از دیوار هر کدام از هشتگی‌ها آویخته اند، قیان سفلی و دیواری، دست بندۀ‌های لاستیکی و فلزی و کشته، آویزان کردن از سقف بطور اورونه و وارد آوردن ضربه در این حال به نفاذ مختلف بدن، دوش آب سرد و ماساژ ضربه ای بوسیله "کابل نمره" چهار، استفاده از آمنیوول هوا و تزیریق آن به عضلات بدن متهمن، سرایا نتاهه داشتن همراه با ضرب و شتم بی‌حد، حتی تا چندین روز، وارد آوردن ضربه به نقاط مختلف بدن متهمن با بیوتین‌های ینجه آهنی، اطاف (محظوظ) قیامت، آزار و ادبیهای مختلف روحی و عصبی، جزئی کوچن از بی خورد ددمنشانه" حاکمیت کنونی ایران بازند اینان سیاسی است. رفیق دکتر داشن پرخورد رژیم بوقیه با زندانیان توده‌ای را چنین توصیف می‌کند: "وقتی یک توده ای خوب توده ای مرده بود، ترجمه ساده‌اش این است که از قبیل و قبل از مرحله هرگونه بررسی و بآزمودن ضربه به بنابراین هیچ‌گونه حقیقتی برای اعتراف و دفاع از خود و دفاع از آبرو و حیثیت خود ندارد و هر رفتاری در باره ای او جایز است و در حقیقت چنین هم شده است".

ما بارها و بارها اعلام کرده ایم که جان زندانیان سیاسی در خطر است. مادر مقاولات متعدد از جنابهایی که در زندانهای رژیم بوقوع می‌بینند پریده برد اشتهایم و از همه نیروهای مترقبی و انقلابی در سطح ملی و از پیشیت مترقبی در سطح چهان خواسته ایم که برای نجات جان فرزندان در بند خلق تلاش ورزند. ما بوقیه احزاب و سازمانهای مترقبی می‌هیمنیم را فرا خواهند ایم که بهطور متعبد در کارزار نجات زندانیان سیاسی شرکت ورزیم و متابله‌های مهواره باسکوت این نیز و هامواجه شده ایم. ما بر آنem که همه ما، صرفانه از اختلافهای سیاسی - ایدئولوژیک، لااقل در امر گشودن درهای زندانها می‌توانیم بطور متعبد عمل کنیم. تلاش ما هر چه همه کمتر باشد بیشتر کاراز خواهد شد. این واقعیتی است که نباید از نثار دور داشت.

## گرامیداشت یاد شهیدان

روز ۸ تیرماه، روز شهیدان سازمان برادر، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) است. در این روز، یازده تن از فدائیان خلق؛ حبید اشرف، یوسف قابع خشک بیجاری، محمد رضا یتری؛ غلامعلی خراط طیور، عسکر حسینی ابرده، محمد مهدی فرقانی، فاطمه حسینی، طاهره خرم، علی اکبر وزیری، محمد حسین حق نواز و غلام رضا لایق مهربانی، در مقابل مسلحانه با مزدوران رژیم شاه خائن به شهادت رسیدند.

کرامی باد یاد شهیدان جنبش خلق!

راهیمایان در اسپایان:

## زندگه باد حزب توده ایران!

در جریان برگزاری تظاهرات اول ماه مه در اسپایان، راهیمایان با صدور قطعنامه‌ای، ضمن محکوم ساختن رژیم جمهوری اسلامی، همبستگی خود را با زحمتکشان ایران ابراز داشتند. در این قطعنامه که توسط مسئول سندیکای کارگری "ث.ث. او.او." قرائت گردید، از جمله فروش اسلحه اسپایانی به ایران و عراق و نیز بیداد شکنجه و اختناق در درو کشور محکوم شده است. همچنین شایان بیان است که در جریان راهیمایانی، بانگ پر خوش شعارهای "زنده باد حزب توده ایران" و "همبستگی با توده ای" از زبان زحمتکشان اسپایانی به شرکت کننده در راهیمایانی، جلوه خاص و شکوهمندی به حضور توده ای ها در تظاهرات می داد.

جامهیر شوروی و ایالات متحده آمریکا می توانند در این زمینه نقش بسزایی ایفا کنند.

حزب توده ایران نیز بنوی خود، از پیشنهادهای رفیق کارباچف درباره تامین صلح و امنیت در آسیا - اقیانوس آرام و نیز ضرورت همکاری بیان خلق های آسیا پیشتبانی می کند و در این راه به پیکار خود ادامه خواهد داد. صلح دوستان سراسر جهان وظیله دارند، که بوبیزه پس از "دیدار مسکو" همچنان بر پیکار خویش در راه جهانی امن تر بیافزایند. کام بعد در این راستا می تواند کاهش سلاحهای استراتژیک به میزان ۵ درصد باند.

ما اعتقاد رانج داریم، که علیرغم تلاشهای تلافی جویانه هارترین مخالف امیریالیسم و ارتاج، نیروهای صلح دوست و در پیشتابیش آنها اتحاد شوروی، می توانند و باید رهکشی جهان بسوی آینده ای هری از سلاحهای هسته ای، باشند. دست بدست هم دهیم و این روند را ثبات بخشیم.

هیئت سیاسی کمیته مرکزی  
حزب توده ایران

خرداد ماه ۱۳۶۷

و تسلیح ضد انقلابیون جنگ طلب ادامه می دهدند. ۱. نیز نه تنها از بازگشت پناهندگان افغانی مقیم ایران به افغانستان با توصل به انواع شیوه ها از جمله تهدید و ایجاد موضع متعدد جلوگیری بعمل می آورد، بلکه به نوشته "مطبوعات خارجی در صدد است که برای توسعه" فعالیت خرابکارانه "برخی سران" "اتحاد هفتگانه"، تعدادی از پایاگاههای آنان را بداخل کشور منتقل کند. این پایاگاهها با حمایتهای نامحدود نظامی و مالی کشورها و سازمانهای جاسوسی غرب و بوبیزه "سیا" بوجود آمد و بر پامانده اند. تصمیم سران ج. ۱. مبنی بر انتقال تعدادی از پایاگاههای مستقر در پاکستان به خاک کشورمان نه تنها برخلاف موازین شناخته شده، میان المللی است بلکه آشکارتر ساختن دشمنی سران مترجم ج. ۱. با مردم صلح طلب افغانستان است.

انتقال تعدادی از پایاگاههای ضد انقلاب افغانی بداخل کشورمان علاوه بر آن که امنیت مردم افغانستان را تهدید می کند جامعه "مارانیز" دشواریهای جدی مواجه خواهد ساخت. در پی تأکید صریح مقامهای کاخ سفید در ادامه کمکهای نظامی و مالی به گروههای ضد انقلاب افغانی در ایران، پای سازمانهای جاسوسی و به تبعیم آن قایاقچیان بین المللی اسلحه، مواد مخدوش، ارز و ... بطور بی سابقه ای در کشورمان باز خواهد شد. هدین ترتیب سران ج. ۱. بادست زدن به یک اقدام ماجر اجویانه که حاکی از خیانت آشکار آنان به مصالح ملی است، راه جدیدی برای نفوذ امپریالیستها به کشورمان بازمی کنند.

## بیانیه هیئت سیاسی

امضا رسید، که نباید

اهمیت آنها را از نظر دورداشت. "دیدار مسکو" تصریح کرد، که باید پابپای خلع سلاح هسته ای در راستای خلع سلاح غیر هسته ای نیز راه پیمود. اکنون این ایالات متحده امریکا و دیگر کشورهای "ناتو" هستند، کارباچف در این زمینه پاسخ گویند.

بدیهی است، که بالامضای قرارداد نابودی موشکهای میانبرد و کوتاه برد، محاکف جنگ افزور امیریالیس از کوشش های تنش فزایانه خویش دست برخواهند داشت. در بسیاری از محاکف امیریالیستی هنوز از نواندیشی تا تحقق آن فرستگ ها فاصله است.

میخانیل کارباچف، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و رونالد ریگان در مذاکرات خود مساله اختلافات و درگیری های منطقه ای را نیز مورد بررسی قراردادند. این مساله یکی از مسائل حاد در ارتباط با سرنوشت خلق های "جهان سوم" بشمار می رود.

مردم میهن ما که با جنگ ویرانگری روپرتو هستند، اهمیت خاصی به برچیدن "کانون های داغ" می دهند. تردیدی نیست که دو کشور اتحاد

## پایگاههای ضد افغانی به ایران منتقل می شود

موافقت نامه حل و فصل اوضاع پیرامون افغانستان، که از سوی چهار کشور افغانستان، پاکستان، آمریکا و اتحاد شوروی در ژنو بامضا رسید، زمینه های مناسب را برای ایجاد بدبختی منطقه ای که اکنون ده سال است به یکی از کانونهای تشنج در خاورمیانه بدل گشته، فراهم آورده است. امراض این موافقت نامه، که حاصل ۶ سال تلاش دیپلماتیک بوبیزه از جانب دولت افغانستان است، یکبار دیگر درستی و عملی بودن سیاست آشنا می رانشان داد.

موافقت نامه "ژنو در زمینه" عادی سازی اوضاع پیرامون افغانستان شامل چهار بخش است که دو بخش اول آن به عدم دخالت در امور داخلی، عدم مداخله نظامی و نیز بازگشت داوطلبانه و آزادانه پناهندگان افغانی به میهانشان مربوط می گردد. دو بخش نهایی مربوط به تضمینهای بین المللی است که از جانب اتحاد شوروی و ایالات متحده بامضا رسیده است.

هم اکنون در نقاط مختلف کشورمان، که مرز طولانی با افغانستان دارد، نزدیک به ۲ میلیون پناهندگ افغانی در شرایطی دشوار به زندگی ادامه می دهند. با آنکه دولت ج. ۱. در مذاکرات ژنو پیرامون مسئله افغانستان شرکت نداشت، تحولات اخیری که در بین امضا موافقت نامه درقبال مسئله پاگشت پناهندگان افغانی و هرجیده شدن پایاگاههای نظامی آنان و نیز عدم دخاله در امور افغانستان صورت گرفته، دولت ج. ۱. راجبرآ در بر این مسائل جدی قرار داده است. موضوع گیریهای اخیر سران ج. ۱. در این رابطه گویای این واقعیت است که رژیم "ولايت فقیه" به خاموش شدن یکی از کانونهای تشنج در آسیا تمایل نشان نمی دهد.

چندی پیش سفیر ج. ۱. در دفتر اروپایی سازمان ملل متحد در ژنو اعلام کرد: "با توجه به عدم حضور انقلابیون افغانستان در مذاکرات ژنو و مذاکرات رسمی آنان با این توافقها، ج. ۱. نمی تواند نظر مثبتی نسبت به این توافقها داشته باشد". پیام تشرک علمای "اتحاد هفتگانه" را بخاطر موضوع گیری اخیر وزارت خارجه، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و رونالد ریگان کرده بود، روز دهم خرداد اطهار داشت: "بازگشت آزادانه و داوطلبانه" پناهندگان افغانی به میهن خود در حالی تحقق می پذیرد که ابتدا امنیت و شرایط مطلوب و حاکیت مردمی در افغانستان رژیم آید". این نخستین بار نیست که سختگویان رژیم سیاست بواقع ارتجاعی خود در زمینه مناسبات بین المللی را در پوشش سخنان عوامل افغانی به نمایش می گذارند.

خبرار و گزارشات رسیده حاکی از آنست که پاکستان و آمریکا علیرغم امراض ایجاد شده، سنگ اندازی آشکار و نهان پرداخته اند و برخلاف تعهدات خود، مندرج در قرارداد، میجنان به تجهیز

جبهه متحده خلق ضامن پیروزی انقلاب است

**NAMEH  
MARDOM**  
آدرس پستی:  
P.B.49034  
10028 Stockholm 49  
Sweden  
NO: 21 3

28 June 1988